

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی

شماره ۲۷۱۴ ۱۴۰۴ اسفند ۱۴۴۷ ۱۵ رمضان ۱۴۴۷ شمسه ۲۷۱۴

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم اخلاق حرفه ای

شماره ۲۷۱۴ ۱۴۰۴ اسفند ۱۴۴۷ ۱۵ رمضان ۱۴۴۷ شمسه ۲۷۱۴

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی

شماره ۲۷۱۴ ۱۴۰۴ اسفند ۱۴۴۷ ۱۵ رمضان ۱۴۴۷ شمسه ۲۷۱۴

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم اخلاق حرفه ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۳:۰۰

غروب آفتاب ۱۷:۲۹:۳۹

اذان مغرب ۱۷:۴۷:۵۶

نیمه شب شرعی ۲۳:۰۱:۰۴

اذان صبح فردا ۰۴:۳۲:۲۹

طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۶:۲۱

امام صادق (ع) فرمودند:

کسی که در راه خدا کشته شود، خداوند هیچ یک از گناهان او را به روی او نمی آورد.

وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص: ۹، حدیث ۱۹

چکامه

نشسته خلقی در عزای خامنه ای

نشسته خلقی اگر در عزای خامنه ای.....دریده جیب اگر در رثای خامنه ای بگو به خصم که از کشتنش مشو غره.....نمرده است به قرآن خدای خامنه ای

محمدرضا طهماسبی

خراسانات

اهالی رحمانیه شب عید نیمه رمضان را در کفه نمکی روستایشان می گذرانند

شب ولادت در دشت آب و نمک

روزنامه نگار حسن احمدی فرد

مردم رحمانیه، در شب های ماه مبارک، همدیگر را دعوت می کنند به افطاری، شب پانزدهم ماه اما قرار همه اهالی، جایی است در دل دشت؛ در «کفه نمکی».

این طوری نیست که کفه نمکی، همیشه آب داشته باشد. آفتاب که تیز بشود، چیزی از آب ها به جا نمی گذارد؛ در عوض دق یک دستی درست می شود که تا چشم کار می کند سفید است و هواپش، طعم شوری دارد. در تمام ماه های گرم سال، می شود از گوشه و کنار کفه، نمک برداشت کرد، اما بارش ها که شروع بشود، آب، دوباره می افتد به کفه؛ به دشت یک دست نمکی. آن وقت، دریایی درست می شود که عمقی ندارد، از آن دریاها که مثل آینه است و عکس نیمه بالایی، در پایین، عینا منعکس شده است. این، ویژگی «کفه نمکی رحمانیه» است.

«رحمان گرد» تا همین سال های نه چندان دور، قلعه ای بوده برای خودش از قلعه های آباد قهستان. حالا از آن اعتبار و شکوه تاریخی، ویرانه هایی به جا مانده که هنوز هم دیدنی است. روستای رحمانیه نزدیک همین رحمان گرد قدیم بنا شده و سروشکلی یافته و آبادی آبادی شده است؛ به ویژه که هر کس بخواهد به کفه نمکی برسد، راهش از دل رحمانیه است.

اهالی رحمانیه سنت زیبایی دارند. شب نیمه ماه مبارک که هم شب عید و ولادت امام حسن مجتبی (ع) است و هم ماه، کامل است، بار و بندیل افطار را بار ماشین ها می کنند و راه می افتند سمت کفه، یا آن چنان که خودشان می گویند: تلاب. خورشید که پشت کوه ها غروب کند، روزه دارها، خرمایی می خورند و نان و پنیری؛ و آن وقت تا خود سحر فرصت دارند در کفه نمکی، در آب کم عمقش یا در سفیدی نمک زارش، بچرخند و گپ بزنند و خوش باشند.

از کفه نمکی رحمانیه تا شهر بردسکن ۴۰ کیلومتر راه است و تا مشهد ۲۸۰ کیلومتر. ساعتی که حساب کنیم از مشهد تا کفه نمکی، چهار ساعته راه است اما دیدن شب مهتابی کفه نمکی حتما به این چند ساعت رانندگی می ارزد. به ویژه که کفه، عمدتا در همین ماه های آخر زمستان و اول بهار، آبی دارد. حالا که نیمه ماه مبارک افتاده به اواخر زمستان، برای اهالی رحمانیه هم فرصت مناسبی است تا سنت قدیمی شان را در شب مهتابی کفه نمکی برگزار کنند.

همسایه همزیان

همیشه با خدا در رفت و آمد بود

عاطفه جعفری در حال آبدای کتاب شورش به رهبر فقید انقلاب در جلسه شعرخوانی ماه مبارک رمضان / سال ۱۴۰۳

پرویش پیش رهبر جهان اسلام بنشینی و از خودت بگویی؟ او که در مرکز جهان ایستاده بهترین و برترین خودش است. او شاعرترین رهبر جهان است. عالم است. با این همه، سال اول یک جفت حلقه ازدواج گرفت و سال دوم برای مادر و خواهرم انگشتر خواستم و محبت کردند. هم در دیدار اول، هم در دیدار دوم با خودم فکر کردم چون آقا مهدی می کنند باید در معرفی خودم به نحوی بگویم مهدی هستم. بار اول قبل از شعرخوانی گفتیم سلام گرم دوستان و عزیزانم را از مشهد تقدیم می کنم و بار دوم وقتی رفتم کنارشان گفتیم سلام همشهری هایتان را تقدیم می کنم. کلی دلم به مهدی بودنشان خوش بود و حس همشهری بودن با ایشان خوشحال کننده بود برایم. حالا در حالی به این خاطرات فکر می کنم که گاهی

بار اول سال ۱۳۹۸ با هزار آرزو شعرهایم را فرستادم شاید فرجی شود و من هم دعوت شوم. تازه ازدواج کرده بودم و آرزو داشتم همسرم شعر بخواند و من به عنوان مستمع کیف کنم. اما برعکس شد و قرار بود من شاعر جوان شعر بخوانم و همسرم مستمع باشد. توی حیات شعرخیز بیت وقتی گفتند برای اولین بار خانم ها هم می توانند بروند و مثل آقایان دور آقا جمع شوند. وجودم پر از اضطراب شد. اما نمی توانستم از خیرش بگذرم نتشستم کنارشان و گفتم سلام آقا جان خیلی دلتنگتان بودم. اما نه! نگفتم. یعنی گفتم ها ولی نمی دانم آقا شنیدند یا نه قبل از کلمات اشکم جاری شد و آقا گفتند: مشکلی دارید؟ خدا مشکلاتان را رفع کند!

دعایم کردند آدمم ادامه دهم گریه ام شدیدتر شد و عبات نازنینشان را بوسیدم و برخاستم. حس کردم آنجا که دعا کردند تواضع کردند و نخواستند بگویند که متوجه شده اند از دلتنگی و علاقه به ایشان گریه می کنم. نخواستند به روی خودشان بیاورند. بار دوم سال ۱۴۰۳ دیگر باید خودم را کنترل می کردم. باید می رفتم جلو. خودم و کتابم را معرفی می کردم. مگر می شد؟

اول شخص

مرد میدان و مذاکره

برای علی شمشانی، مشاور فرمانده کل قوا و دبیر شورای عالی دفاع که به دست رژیم صهیون و آمریکا به شهادت رسید

مریم شیعه هر دو طرف برای لحظاتی سکوت می کنند. پشت این سکوت عمیق، سال ها قطع رابطه و بی اعتمادی پنهان است. دوربین ها آماده اند و او بی اعتنا به حضورشان، کاغذها را بالا و پایین می کند. آرام است. اغلب با همین چهره آرام در انتظار ظاهر می شود. یکن از مدت ها قبل، این دیدار را برنامه ریزی کرد تا بتواند دو کشور را به یکدیگر نزدیک کند. وقتی امضاها رد و بدل می شود و دو هیئت، پشت میز بلند مذاکره می ایستند و با یکدیگر دست می دهند، توافق ایران و عربستان پس از سال ها قطع رابطه، رسمی می شود. در اسفند ۱۴۰۱، دو کشور قدم به قدم برای ازسرگیری روابط خود تلاش می کنند و او به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، حاضر و ناظر بر این مذاکرات است. او سال هاست در نقطه تلاقی سیاست، امنیت و منطقه ایستاده است. نه می شود از او به عنوان یک چهره نظامی نام برد و نه می توان به او چهره سیاسی گفت. اوتلفیقی از هر دو این هاست.

فدکشیدن میان نخلستان شهید شمشانی مهرماه ۱۳۳۴ در شهر اهواز به دنیا می آید. خانواده ای عرب زبان دارد و زیر آفتاب تند خوزستان و

میان نخلستان های سر به فلک کشیده اش قد می کشد. به سن نوجوانی که می رسد، تب و تاب کشور بالامی گیرد. پا به جوانی که می گذارد. این تب و تاب به او چ خود می رسد. مردم هر روز در خیابان اند و علیه پهلوی شعار سر می دهند. او هم با موج معترضان همراه می شود و فعالیت هایش را علیه پهلوی آغاز می کند. توسط ساواک دستگیر می شود. در زندان، رفاقتش را با محسن رضایی و شهید غلامعلی رشید آغاز می کند. وقتی انقلاب در سال ۱۳۵۷ به ثمر می نشیند، ساختارهای امنیتی و نظامی جنوبی کشور از نو چیدمان می شوند و او نیز در این چینش تازه، نقش می گیرد. با آغاز جنگ ایران و عراق، به سرعت وارد ساختار فرماندهی می شود. خوزستان خط مقدم جنگ است و او خوزستان را می شناسد. شمشانی از فرماندهی سپاه خوزستان به قائم مقامی سپاه رسید و چندی بعد هم به عنوان وزیر سپاه منصوب می شود. او از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ فرمانده نیروی دریایی ارتش بود و از سال ۱۳۶۹ با حفظ سمت فرماندهی نیروی دریایی سپاه را نیز عهده دار بود. آن شب در یکن، دیگر فرمانده نظامی نیست؛ دبیر شورای عالی امنیت ملی است. جایگاهی که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ در اختیار دارد. شورایی که سیاست های کلان امنیتی کشور را تدوین

شهید شمشانی و همزمانش در دوران دفاع مقدس

قاب طلا

به یاد سال هایی که رهبر شهیدمان با کاشت نهال روز درختکاری را گرامی می داشتند

نهال همیشه سبز

هوا صاف صاف صاف بود. آسمان آبی بود. آفتاب مهربان بود. خاک زیر نعلین ها، نرم بود و خوشبخت. به رسم قرار هرساله، زمین مهیای تولدی دوباره بود. یک شاخه نهال نازک و ترد و تازه، منتظر نشسته بود تا ریشه هایش در خاک زمین، قرص شود. خورشید از آن بالا با لبخند همه چیز را زیر نظر داشت. پرنده ها داشتند از لبه دیوار سرک می کشیدند تا یک تولد دوباره را تماشا کنند. ریشه ها در خاک فرو رفت. گودال کوچک آرام آرام با دستان مرد خدا پر شد. آب، بی عجله از گلولی آبپاش پایین آمد و گلولی خشک نهال را تازه کرد. همه چیز آرام بود. همه چیز زیبا بود. هیچ صدای اضافی در محیط نبود جز ذوق پرنده گان و صدای شاتر دوربین هایی که برای ثبت برگزاری یک آیین زیبا حاضر شده بودند. هیچ کس نمی دانست این آخرین قاب از

روزنامه نگار آزاده چشمه سنگی نویسنده

آرشو عکس های نیمه اسفند حضرت آقااست که ثبت و ضبط می شود. به رسم هرسال، کار تمام می شود و می ایستند مقابل دوربین. از برکت درخت کاری و وجود سبزیگی می گویند. همه چیز بوی وصیت می دهد. وصیت می کنند در جزئیات. در آداب. در توجه به ریزه کاری هایی که زندگی را زیباتر می کند:

* «خود درخت و سبزه، مایه طراوت و صفای محیط زندگی است. غیر از جنبه سلامت و سود مادی و امثال این ها، چشم نواز است، دلنواز است. محیط زندگی اگر سبز باشد و همراه با سبزه و رویدنی های نعمت پروردگار باشد، این طبعاً برای محیط روحی انسان مفید است و انسان ها بهره مند می شوند. این ها جنبه های مختلفی است. در واقع درخت، نهال کاری، هم سود مادی دارد، هم سود زیستی دارد، هم مایه طراوت و سود روانی دارد، از همه جهت انصافا سود محض است، یعنی هیچ ضرری در آن وجود ندارد.»

سود محض حضور نهال ها بود و کلماتی که از دهان ایشان به زمین می ریخت و جوانه می زد و سال به سال درخت تنومندی می شد که زیر سایه اش، امن ترین جا برای فرار از بلاتکلیفی ها و شبهات زمانه بود.

* بیانات رهبر شهید انقلاب پس از کاشت نهال در روز درخت کاری (۱۴۰۲/۱۲/۱۵)